

# هنر واژگان - Art Vocabulary

Analogous colours	groups of colours that are next to each other on the colour wheel	رنگ های مشابه
	گروه از رنگ است که در کنار یکدیگر در چرخه رنگ در می	
Background	the part of an artwork that is far away	زمینه
	بخشی از یک اثر هنری است که دور	
Blending	mixing from light to dark	بلندینگ
	مخلوط کردن از روشن به تیره	
Blurring details	making small things have less detail so they seem far away	آلوده کردن جزئیات
	ساختن چیزهای کوچک، جزئیات کمتری را به طوری که آنها دور به نظر می رسد	
Brainstorming	coming up with a large number of ideas	طوفان مغزی
	در آینده با تعداد زیادی از ایده های	
Brushstroke	the mark made by the bristles of a brush in painting	Brushstroke
	علامت های موی یک قلم مو در نقاشی ساخته شده	
Central composition	an arrangement where the most important thing is in the middle	ترکیب مرکزی
	یک آرایش که در آن بیشترین چیزی که مهم است در وسط	
Colour composition	the arrangement of colours in an artwork	ترکیب رنگ
	ترتیب رنگ ها در یک اثر هنری	
Colour scheme	the choice of colours in an artwork	طرح رنگ
	انتخاب رنگ در یک اثر هنری	
Colour mixing	adding two or more colours together	اختلاط رنگ
	اضافه کردن دو یا چند رنگ با هم	
Colour wheel	a circle of coloured sections that shows the relationships between colours	چرخ رنگ
	یک دایره از بخش های رنگی است که در روابط بین رنگ را نشان می دهد	
Complementary colours	colours that are opposites on the colour wheel	رنگ های مکمل
	رنگ هایی که متضاد در چرخه رنگ در می	
Composition	the arrangement of things in an artwork	ترکیب بندی
	ترتیب همه چیز در یک اثر هنری	
Contour drawing	drawing the edges and outlines	رسم کانتور
	رسم لبه ها و خطوط	
Contrast	the difference between the lights and darks	تضاد
	تفاوت بین رنگی روشن و تیره	
Cool colours	colours that are calm and soothing, such as blues and greens	رنگ های سرد
	رنگ هایی که آرام و آرامش بخش هستند، مانند بلوز و سبزی	
Creativity	ideas that are useful, unique, and insightful	خلاقیت
	ایده هایی که مفید است، منحصر به فرد، و روشنگری است	
Cropping	cutting off part of a picture	برداشت
	قطع بخشی از یک تصویر	
Cross-hatching	drawing using close parallel lines that cross each other at an angle	صلیب از هچ
	نقاشی با استفاده از خطوط موازی نزدیک است که در هر مقطع دیگر در زاویه	

<b>Cyan</b>	<b>a greenish-blue colour that is one of the colour primaries</b> رنگ آبی مایل به سبز است که یکی از مقدماتی رنگ	فیروزه ای
<b>Decreasing contrast</b>	<b>making the range between the lights and darks smaller so that things look muddier and far away</b> ساخت محدوده بین رنگی روشن و تیره کوچکتر به طوری که همه چیز نگاه muddier و دور	مقابل کاهش
<b>Depth</b>	<b>the sense that some things are near and others are far away</b> به این معنا که برخی از چیزهایی که در نزدیکی هستند و دیگران دور می باشد	عمق
<b>Detail</b>	<b>small, important parts of a drawing</b> کوچک، بخش مهمی از یک نقاشی	جزئیات
<b>Dry brush painting</b>	<b>creating scratchy brush strokes using a brush that is mostly dry</b> ایجاد brushstrokes خارش با استفاده از یک قلم مو است که عمدتاً خشک	نقاشی با قلم مو خشک
<b>Dull colours</b>	<b>colours that are weak, and not very vivid</b> رنگ هایی که ضعیف و بسیار واضح نیست	رنگ کسل کننده
<b>Foreground</b>	<b>the part of an artwork that is biggest and closest</b> بخشی از یک اثر هنری بزرگترین و نزدیکترین است که	پیش زمینه
<b>Hatching</b>	<b>drawing using close parallel lines</b> نقاشی با استفاده از خطوط موازی نزدیک	جوجه ریزی
<b>Idea development</b>	<b>a process that is used to create useful, insightful, and unique ideas</b> یک فرایند است که مورد استفاده برای ایجاد ایده های مفید، روشنگری، و منحصر به فرد	توسعه ایده
<b>Increasing contrast</b>	<b>making the range between the lights and darks bigger so that things look more intense and close up</b> ساخت محدوده بین رنگی روشن و تیره بزرگتر به طوری که همه چیز نگاه شدید تر و نزدیک	کنتراست افزایش
<b>Insightful</b>	<b>something that shows deep thinking</b> چیزی است که نشان می دهد تفکر عمیق	روشنگری
<b>Intense colours</b>	<b>colours that are strong and very vivid</b> رنگ هایی که قوی و بسیار واضح	رنگ های تند
<b>Magenta</b>	<b>a reddish purple (hot pink) that is one of the colour primaries</b> بنفش (صورتی گرم) مایل به قرمز است که یکی از مقدماتی رنگ	ارغوانی
<b>Modelling</b>	<b>making things 3D using blending</b> ساختن چیزهای 3D با استفاده از ترکیب	مدل سازی
<b>Negative space</b>	<b>the shape of the space between the things you would normally look at (the positive space)</b> شکل فضای بین چیزهایی که شما به طور معمول در (فضای مثبت) نگاه	فضای منفی
<b>Non-central composition</b>	<b>an arrangement where the most important thing is NOT in the middle</b> یک آرایش که در آن مهم ترین چیز این است نه در وسط	ترکیب غیر مرکزی
<b>Positive space</b>	<b>the contour of the things you would normally look at</b> کانتور از چیزهایی که شما به طور معمول در نگاه	فضای مثبت
<b>Primary colour</b>	<b>a colour that cannot be mixed using other colours: cyan, yellow, and magenta</b> یک رنگ است که می تواند با استفاده از رنگ های دیگر مخلوط شود: آبی، زرد، و قرمز	رنگ اولیه

<b>Reference images</b>	<b>photographs used to look at so you can make a better artwork</b>	تصاویر مرجع
	عکس ها استفاده به در نگاه کنید، بنابراین شما می توانید یک اثر هنری را بهتر	
<b>Rotating</b>	<b>turning a picture to a new angle</b>	چرخشی
	تبدیل یک تصویر به یک زاویه جدید	
<b>Secondary colour</b>	<b>a colour that is created by mixing two primary colours: red, green, and blue</b>	رنگ ثانویه
	یک رنگ است که با مخلوط کردن دو رنگ اصلی ایجاد شده: قرمز، سبز، و آبی	
<b>Shading</b>	<b>drawing with white, black, and greys</b>	سایه
	نقاشی با رنگ سفید، سیاه و خاکستری	
<b>Sharpening details</b>	<b>making small things have more detail so they seem close up</b>	شرینج جزئیات
	ساختن چیزهای کوچک جزئیات بیشتر به طوری که آنها نزدیک به نظر می رسد	
<b>Smoothness</b>	<b>drawing cleanly, with no bumps</b>	صافی
	رسم پاک، بدون برجستگی	
<b>Split complementary colour scheme</b>	<b>a colour scheme using one base colour, and two colours on either side of the complementary</b>	طرح رنگ مکمل اسپلیت
	یک طرح رنگ با استفاده از یک رنگ پایه، و دو رنگ در دو طرف مکمل	
<b>Square colour scheme</b>	<b>a colour scheme in which colours are balanced around the colour wheel in the shape of a square</b>	طرح رنگ مربع
	یک طرح رنگ که در آن رنگ در اطراف چرخ رنگ به شکل یک مربع و متعادل کننده شده	
<b>Stippling</b>	<b>drawing using small dots</b>	نقطهنگاری
	نقاشی با استفاده از نقطه های کوچک	
<b>Texture</b>	<b>drawing that looks the same as what it feels like</b>	بافت
	نقاشی که در نظر می رسد همان چه احساسی	
<b>Thumbnail drawings</b>	<b>small drawings that are used to develop the composition of an artwork</b>	نقاشی بند انگشتی
	نقاشی های کوچکی هستند که به توسعه ترکیب یک اثر هنری استفاده	
<b>Triad colour scheme</b>	<b>a colour scheme in which colours are balanced around the colour wheel in the shape of a triangle</b>	طرح رنگ سه تایی
	یک طرح رنگ که در آن رنگ در اطراف چرخ رنگ به شکل یک مثلث و متعادل کننده شده	
<b>Unique</b>	<b>something that is rare, or one-of-a-kind</b>	منحصراً بفرود
	چیزی است که نادر، و یا یکی از یک نوع	
<b>Warm colours</b>	<b>colours that are suggestive of heat or passion: yellows, oranges, and reds</b>	رنگ های گرم
	رنگ هایی که حاکی از گرما یا شور: زرد، نارنجی و قرمز	
<b>Web-mapping</b>	<b>linking together ideas into a web</b>	وب نگاشت
	ارتباط ایده ها با هم به یک وب	
<b>Wet-on-wet painting</b>	<b>adding paint to an already wet painting surface</b>	WET-در-مرطوب نقاشی
	اضافه کردن رنگ به سطح نقاشی در حال حاضر مرطوب	
<b>Zooming in/zooming out</b>	<b>making a picture seem closer (zoom in) or further away (zoom out)</b>	زوم در / زوم کردن
	جساخت یک تصویر به نظر میرسد نزدیک (زوم در) یا دورتر (زوم کردن)	